



مقدمه

از مهمترین رموز موفقیت در زندگی، تلاش و پایداری در راه هدف می باشد. تحرّک و پویایی که از اعتقاد راسخ انسان سرچشمه می گیرد، در راه رسیدن به مقصود ضروری ترین عامل به شمار می آید. مطالعه سیره و زندگی ائمه اطهار (علیه السلام) و توجه به تلاش های فرهنگی آنان نشان می دهد که آن بزرگواران چشمه های جوشان معرفت و گنجینه های حکمت الهی هستند که چون چراغی پر فروغ و خاموش نشدنی فراسوی علم را با پرتو افشانی خود روشن می کنند. آنان با اندیشه ها و تلاش های فرهنگی خود، تاریکی ها را از بین برده و در هر زمان امید حق ستیزان را نومید می ساختند. امام صادق (علیه السلام) همانند دیگر امامان معصوم (علیه السلام) دارای کمالات و فضایل انسانی در مرتبه اعلی است که بعد از شهادت پدر بزرگوارش امامت و رهبری شیعیان را به عهده گرفت و به رغم مشکلات حادث جامعه مسلمین در مدت 34 سال امامت پر برکت خویش، نقش شایسته ای در گسترش فرهنگ حیات بخش اسلام انجام داد. مقاله ای که از نظر خوانندگان عزیز و محترم می گذرد، گامی است در بیان تلاش های فرهنگی و علمی آن گوهر نبوی. امید است که ره توشه ای باشد برای پویندگان راه امامت و ولایت.

1- دعوت به ولایت پذیری

بزرگ ترین ظلمی که بعد از رحلت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نسبت به جهان اسلام و بشریت شد، این بود که امامت و ولایت را از مسیر حق منحرف کردند. کم کم کار به جایی رسید که از زمان معاویه آن را به

سلطنت تبدیل نمودند و مردم را چون بردگان به خدمت می گرفتند.

آنان می خواستند که دیگر از امامت و جانشینی خاتم پیامبران و رهبری حقیقی و دینی اثری نماند. وقتی نوبت به امامت امام صادق (علیه السلام) رسید در مناسبت‌های گوناگون با بیانات شیوای خود، اهمیت این مسأله را بیان فرمود.

«عیسی بن سری» می گوید : به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم پایه هایی که دین اسلام بر آن بنا شده است، به من بفرما. آن حضرت فرمود : «گواهی به یگانگی خداوند و این که محمد (صلی الله علیه و آله) رسول و فرستاده اوست : اقرار نمودن به آن چه از جانب خداوند آورده (قرآن) و ولایتی که خداوند به آن امر فرموده و آن ولایت آل محمد است.» (1)

یکی از انتظارات واقعی امام صادق (علیه السلام) از شیعیان واقعی این است که نسبت به امامان خویش معرفت و شناخت داشته باشند و با دل و جان ولایت آن‌ها را بپذیرند نه این که فقط مدّعی ولایت مداری باشند، آن حضرت با تبیین علایم و نشانه ها، ولایت پذیران اصلی را از غیر اصلی جدا نموده به طوری که می فرماید : «شیعیان سه دسته هستند : گروهی به وسیله ما زینت می یابند و ما را وسیله عزّت و آبروی خویش قرار می دهند، گروهی ما را وسیله درآمد زندگی دنیایی خویش قرار داده و از این طریق زندگی می کنند و گروهی از ما و به سوی ما هستند با امنیت ما آرامش می یابند و با ترس ما ترسان هستند، در برابر جفاکاران خودنمایی ندارند، اگر پنهان باشند کسی سراغ آن‌ها را نمی گیرد و اگر آشکار باشند به آن‌ها اعتنا نمی شوند. گروه سوم به حقیقت شیعیان واقعی و راهنمایان مردم هستند.» (2)

امام صادق (علیه السلام) علاوه بر سفارش های مکرّر به ولایت پذیری و امام شناسی در مکتب تربیتی خویش، شیعیان ولایی تربیت نمود و آنان را ولایت مدار بار می آورد. در این زمینه داستان «عبدالله بن یعفور» یکی از شیعیان با اخلاص و فداکار که در پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیه السلام) اسوه‌ای کامل و نمونه‌ای بارز برای تمامی شیعیان می باشد، قابل تأمل و دقت است او با همه عظمت علمی و موقعیت اجتماعی در برابر فرمان امام خویش تسلیم محض بود.

2- استناد به قرآن

جایگاه و نقش ائمه اطهار (علیه السلام) در ترویج و توسعه فرهنگ قرآنی به ویژه تفسیر قرآن کریم، نقش کلیدی و اساسی در تبیین حقایق قرآنی است. با اندکی تأمل در زندگانی حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) روشن می شود که قرآن در سیره و سخن آن امام بزرگوار جایگاه ویژه‌ای داشته و زندگی روزمره خود را با آیات قرآن آن چنان آمیخته بود که در تمام ابعاد پرتو افشانی می کرد.

آن حضرت با حالت ملکوتی خاصی آیات قرآن را در نماز تلاوت می کرد، به طوری که از حالت عادی خارج می شد. روزی یکی از حاضران از او پرسید : این چه حالی بود که به شما دست داد؟ فرمود : «پیوسته آیات قرآن را تکرار

کردم تا این که به حالتی رسیدم که گویی آن آیات را به طور مستقیم از زبان نازل کننده‌اش می شنیدم.» (3)

«مسعدة بن صدقه» می گوید : شنیدم که از امام صادق (علیه السلام) پرسیده شد : آیا امر به معروف و نهی منکر بر تمام مردم واجب است؟ حضرت فرمود : خیر! به حضرت عرض شد چرا؟ فرمود : بر کسی واجب است که تواند، دارای جایگاه علمی و عالم به معروف و منکر باشد و بر انسان ناتوان واجب نیست، دلیل آن قرآن کریم است که می فرماید : «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ (4) باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند.»

تعبیر (منکم) عده‌ای خاص را بیان می کند، نه عموم مردم را چنان که در این آیه شریفه آمده است : «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ؛ (5) و برخی از قوم موسی به راه حق هدایت می کنند و به آن باز می گردند.» یعنی عده‌ای از قوم موسی به حق هدایت می کنند نه همه. در این جا امام صادق (علیه السلام) به حرف «من» در (منکم) و (من قوم موسی) استدلال کرد که امر به معروف و نهی از منکر بر همه افراد واجب نیست، بلکه بر کسانی که توانایی و آگاهی نسبت به معروف و منکر داشته باشند، واجب است. (6)

3- تأسیس دانشگاه و تربیت شاگردان

امام صادق (علیه السلام) بعد از شهادت پدر بزرگوارش امام محمد باقر (علیه السلام) در طول 34 سال امامتش با پنج طاغوت اموی و دو طاغوت عباسی روبرو بود. در این ایام بر اثر جنگ و ستیزهای بنی عباس برای براندازی حکومت بنی امیه و درگیری شدیدی که آن‌ها با یکدیگر داشتند، فضای بازی برای آن حضرت فراهم شد. آن امام همام در این فرصت توانست وسیع ترین دانشگاه اسلامی را پی ریزی کند و در این راستا توفیقات سرشاری به دست آورد، به طوری که حدود چهار هزار نفر شاگرد از مجلس درس او با واسطه و بدون واسطه استفاده می کردند و بسیاری از آنان به مقامات عالی علمی و فقهی نایل شدند. برجستگان و فرزانهانی همچون : «زراه بن اعین»، «هشام بن حکم»، «جابر بن حیان»، «ابان بن تغلب»، «مفضل بن عمر»، «مؤمن الطالق»، «هشام بن سالم»، «معلی بن خنیس» و... از این دانشگاه فارغ التحصیل شدند که هر کدام استاد برجسته و پایه گذار علوم و صاحب کرسی تدریس در فنون گوناگون علوم شدند و کتاب های مختلفی برای آگاهی بخشی به نسل های آینده تألیف نمودند و منشأ آثار و برکات و تحولات عظیمی در تاریخ اسلام و تشیع شدند.

حضور در دانشگاه جعفری مخصوص شیعیان نبود، بلکه افراد زیادی همچون «ابوحنیفه» رئیس مذهب حنفی، «مالک ابن انس» رئیس مذهب مالکی، سفیان بن ثوری، یحیی بن سعید و... از شاگردان این دانشگاه بودند. (7)

آن حضرت شاگردان خود را براساس ذوق و استعداد تعلیم می نمود و در همان رشته تشویق و تعلیم می داد و این گونه بود که مکتب تشیع در اثر تلاش های فرهنگی امام صادق (علیه السلام) به صورت چشم گیری گسترش یافت و به اکثر قلمروهای اسلامی رسید و بسیاری از مسلمانان در آن دوران طلایی به مکتب اهل بیت (علیه السلام) گرویدند.

4- شکوفایی علم فقه

امام صادق (علیه السلام) در پرورش و شکوفایی علم فقه تلاش فراوان می کرد، بنابراین عظمت علمی آن امام بزرگوار در این علم در اوج قرار دارد و شاگردان بی شماری را در زمینه فقه و نشر آن تربیت نموده است. در علم فقه بهترین نظریات را ارائه نموده که هم اکنون روایات فقهی او در کتب اربعه (تهذیب و استبصار شیخ طوسی، کافی کلینی و من لایحضره الفقیه شیخ صدوق) گردآوری شده است و شاگردانی همچون «جمیل بن دراج»، «عبدالله بن مسکان»، «حماد بن عثمان» و... در فقه تحویل جامعه اسلامی داده است. آن حضرت برای حل مشکلات جامعه در عصر غیبت می اندیشید و برای مردم مسلمان که از امام خود دور هستند و دسترسی به حجت خدا ندارند، تقلید و پیروی از مجتهدان و فقهای جامع الشرایط را سفارش می کرد. امام صادق (علیه السلام) در مورد شرایط یک فقیه کامل و جایگاه او می فرمود: «هر کس از میان شما حدیث ما را روایت و در حلال و حرام ما دقت کند و احکام ما را بشناسد، پس باید او را به عنوان حاکم شرع و مجتهد پذیرفت و هرگاه طبق نظر ما حکم کند و کسی آن را نپذیرد بدرستی (رد کننده) حکم خدا را سبک شمرده و فرمان ما را رد کرده است و هر کس فرمان ما را رد کند فرمان خدا را رد کرده است.» (8)

5- نشر علم حدیث

آثار به جای مانده در زمینه حدیث از امام صادق (علیه السلام) بیش تر از سایر معصومین (علیه السلام) است. هیچ کتاب فقهی، حدیثی و تفسیری شیعه نمی تواند از کلام امام صادق (علیه السلام) خالی باشد. امام صادق (علیه السلام) در حوزه علم حدیث و آیات الاحکام بیش ترین فرصت را یافت و توسط چهار هزار نفر از شاگردان خود، تفکرات شیعی رادر دورترین نقاط جهان منتشر نمود. هر یک از شاگردان آن حضرت نیز خدمات بزرگ فرهنگی و علمی را در مناطق مختلف عهده دار شد و حتی رهبران برجسته اهل سنت در عرصه حدیث از محضر آن گرامی بهره مند شده اند: به طوری که ابوحنیفه بارها می گفت: «اگر آن دو سال که نزد امام صادق (علیه السلام) درس خواندم نبود، من هلاک می شدم.» (9)

6- کشف علم شیمی

یکی از علومی که از محضر پیشوای ششم نشأت گرفته و بعداً در سایر مناطق رشد و توسعه یافت، «علم شیمی» است.

از آن جایی که امام صادق (علیه السلام) هر دانشی را به اهل آن می آموخت و شایستگی و استعداد افراد را معیار تعلیم علوم قرار می داد، علم شیمی را به شاگرد شایسته و ممتاز خود، «جابر بن حیان کوفی» آموخت. او در این علم مهارت یافت و به پدر شیمی موسوم گردید. جابر بن حیان چنان در این عرصه درخشید و تعالیم صادق آل محمد (علیه السلام) را به دنیا عرضه کرد که پیشرفت علوم و تکنولوژی جهان غرب امروزه مدیون اندیشه های اوست.

امروزه تألیفات جابر بن حیان در کتابخانه های مهم دنیا نگهداری می شود. نسخه ای از کتاب «الخواص الکبیر» در موزه انگلستان و نسخه ای از کتاب «الاحجار» در کتابخانه ملی پاریس موجود است. معروف ترین کتاب وی، «مجموعه کامل اسرار طبیعت» است که بار اول در سال 1490 میلادی به چاپ رسید و در سال 1668 میلادی به انگلیسی و در سال 1672 به فرانسه ترجمه شد او همه این مهارت ها و فنون را از محضر حضرت صادق (علیه السلام) به دست آورد. (10)

7- نشر آثار جاویدان

شاگردان حوزه شیعی آن حضرت آثار گران بهایی را از خود آن بزرگوار نقل نموده اند و یا خود تألیف کرده اند. برخی از کتاب های منسوب به حضرت امام صادق (علیه السلام) به شرح زیر است :

- 1- کتاب «التوحید» که آن حضرت املا کرد و مفصل بن عمر آن را تحریر نمود. (11)
 - 2- «رسالة فی وجوه معایش العباد» که در زمینه انواع شغل ها، تجارت و صنعت می باشد. (12)
 - 3- «رسالة فی الغنائم» که پاسخ های آن حضرت پیرامون خمس و غنائم است. (13)
 - 4- «الجعفریات» که مجموعه روایاتی است به ترتیب ابواب فقه که امام کاظم (علیه السلام) آن را نقل نموده است. (14)
 - 5- «نثر الدرر» صحیفه ای است در کلمات قصار آن حضرت (علیه السلام) که گویا به صورت مجموعه ای واحد بوده و «ابن شعبه حرّانی» آن را در کتاب «تحف العقول» یک جا آورده است. (15)
 - 6- «رسالة الامام الی اصحابه» که راهنمایی برای سلوک یارانش می باشد. (16)
 - 7- «الرسالة الاهوازیه» که در پاسخ والی اهواز نوشته شده است. (17)
 - 8- «کتاب الحجّ» که «ابان بن عبدالملک» آن را نقل کرده است. (18)
- به جز این ها نوشته های دیگری نیز به آن حضرت منسوب است.

8 - تشویق به تفکر

پیشرفت های جوامع و افراد بر اثر بهره وری از توان عقل و تفکر و قدرت عمل و تلاش است. پیامبران، امامان و بندگان صالح خدا همگی اهل فکر و تعقل بوده‌اند. در منزلت ابوذر غفاری امام صادق (علیه السلام) فرمود : «كَانَ أَكْثَرُ عِبَادَةِ أَبِي ذَرٍّ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ التَّفَكُّرُ وَالْإِعْتِبَارُ» (19) بیش ترین عبادت ابوذر، اندیشه و عبرت اندوزی بود.»

امام صادق (علیه السلام) در سیره رفتاری و عملی خود برای اندیشه و تفکر ارزش والایی قایل هست و زیباترین و رساترین سخنان را درباره ارزش تعقل و تفکر در مسائل دینی بیان فرموده است.

آن حضرت می فرماید : «لا خیر فی من لا یتفقّه من اصحابنا. انّ الرّجل منهم اذا لم یستغن بفقهه احتاج الیهم فاذا احتاج الیهم ادخلوه فی باب ضلالتهم و هو لایعلم» ؛ (20) از دوستان ما کسی که در دین خود اندیشه و تفقه نکند، ارزش ندارد. اگر یکی از دوستان ما در دین خود تفقه نکند و به مسایل و احکام آن آشنا نباشد، به دیگران (مخالفین ما) محتاج می شود، هر گاه به آن‌ها نیاز پیدا کرد، آنان او را در خط انحراف و گمراهی قرار می دهند در حالی که خودش نمی داند.»

ضرورت یادگیری احکام دینی در منظر پیشوای ششم آن قدر مهم است که می فرماید : «اگر به جوانی از جوانان شیعه برخورد نمایم که در دین تفقه نمی کند، او را تأدیب خواهم کرد.» (21)

9- بهره‌گیری از افراد توانا

ششمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت با ارزیابی قابلیت‌ها و توانمندی های شاگردان خود، برخی از آن‌ها را برای پاسخ به سؤالات و گفتگوهای علمی پرورش داده بود. به عنوان مثال در مباحث کلام و مباحث اعتقادی به ویژه مسائل امامت، افراد ممتاز و برگزیده‌ای همچون «هشام بن سالم»، «هشام بن حکم»، «حمران بن اعین» و... را تربیت کرده و به موقع از آن‌ها استفاده می کرد.

«یونس بن یعقوب» می گوید : نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که مردی از سرزمین شام به دیدن آن حضرت آمد و اظهار داشت که من مردی هستم صاحب فقه و کلام، اکنون آمده‌ام تا با یارانت بحث و گفتگو کنم : حضرت فرمود : این علم کلامی که تو درباره آن صحبت می کنی از کلام رسول خداست یا ساخته ذهن خودت است؟ مرد گفت : بخشی از آن کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و بخشی از آن کلام خودم. امام فرمود : پس تو شریک رسول خدا هستی؟ گفت : نه، حضرت فرمود : پس به تو وحی رسیده است؟ گفت : نه، اینجا بود که امام صادق (علیه السلام) به من روی کرد و فرمود : ای یونس! این مردی است که پیش از آن که سخن بگوید، خود را محکوم کرده است. سپس فرمود : ای یونس! اگر کلام می دانستی با او مناظره می کردی! اکنون بیرون رو و ببین چه کسانی از صاحبان کلام را پیدا می کنی، آن‌ها را نزد من بیاور. یونس می گوید : بیرون رفتم و تعدادی از

متکلمین همچون : حمران بن اعین ، هشام بن سالم، قیس بن ماصر و... را دیدم. آن‌ها را به حضور امام بردم و آن حضرت دستور داد تا با مرد شامی مناظره کنند. آن‌ها هر کدام با مرد شامی بحث و گفتگو کردند و بر او در زمینه ی علم کلام غالب گشتند. (22)

10- دعوت به پیروی از اخلاق حسنه

نیاز به اخلاق حسنه یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد. به همین جهت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود : «اگر انسان بداند چه چیزی برای او در اخلاق نیک وجود دارد، حتماً متوجه می شود که او به داشتن اخلاق نیکو نیازمند است.» (23)

حسن خلق آن قدر عظمت و ارزش دارد که هر کسی به عمق و ژرفای آن نمی رسد و به هرکس عنایت نمی شود، چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود : «وَلَا يَكُونُ حُسْنُ الْخُلُقِ إِلَّا فِي كُلِّ وَلِيٍّ وَ صَفِيٍّ... وَلَا يَعْلَمُ مَا فِي حَقِيقَةِ حُسْنِ الْخُلُقِ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى؛ (24) و حسن خلق یافت نمی شود مگر در وجود دوستان و برگزیدگان خداوند و آن چه در حقیقت خلق نیکوست، جز خداوند متعال کسی نمی داند.»

رئیس مکتب جعفری نه تنها به بیان اهمیت و ارزش اخلاق بسنده نکرده، بلکه در سیره خود برای ثمر بخش بودن آن در جامعه به بیان موارد و مصداق‌های عینی آن نیز پرداخته است تا مسأله مذکور ملموس‌تر و محسوس‌تر شود. از آن حضرت در مورد مکارم اخلاق سؤال شد، فرمود : «الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَصِلَةُ مَنْ قَطَعَكَ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ وَ قَوْلُ الْحَقِّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ؛ (25) گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته است و ارتباط داشتن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است و عطا نمودن به کسی که تو را محروم ساخته و گفتن سخن حق هر چند به ضرر تو باشد.»

آن حضرت در ادامه این موضوع به ثمرات و فواید اخلاق نیک اشاره نموده است و می فرماید : «حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ (26) خوی نیک باعث افزایش روزی می شود.»

در روایتی دیگر شیعیان را به خوش رفتاری با خانواده سفارش نموده و آن را موجب طولانی شدن عمر می داند و می فرماید : «مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ زِيدَ فِي عُمْرِهِ؛ (27) هر کس با خانواده خود، خوش رفتاری کند، عمرش طولانی می شود.»

هم چنین رعایت اصول اخلاقی و توجه به آداب انسانی و خوش برخوردی را از ویژگی های مکتب تشیع دانسته و آن را بر شیعیان راستین لازم شمرده و بر اجتناب از بدخلقی تأکید نموده است.

فرجام سخن

امام صادق (علیه السلام) طی 34 سال امامت بابرکتش شور و نشاط علمی و فرهنگی خاصی در جامعه اسلامی گسترش داد که در تاریخ زندگی بشر کم سابقه بوده است. وی در میدان مبارزه با همه جریانات فکری به مخالفت برخاست تا عقاید باطل را بکوبد و اندیشه‌های منحرف را اصلاح کند و عقاید ناب اسلامی را به تشنگان حقیقت هدیه نماید. ولی سرانجام این بزرگ مرد تاریخ انسانیت، مورد خشم دستگاه غاصب عباسی قرار گرفت، زیرا هرگز منصور را خوش نمی آمد که شاهد پیشرفت علمی و شهرت روزافزون امام باشد. او ترس آن را داشت که شاید روزی امام (علیه السلام) کرسی خلافت را از زیر پایش بیرون بکشد و حکومتش را واژگون سازد، بنابراین در پی ضربه زدن به وجود مبارک آن حضرت بود تا اینکه سرانجام با انگور زهرآگین امام را به شهادت رساند.

امام صادق (علیه السلام) در روز دوشنبه 25 شوال سال 148 هجری قمری در مدینه منوره وفات یافت و در خاک پاک قبرستان بقیع کنار پدرش و اجدادش به خاک سپرده شد.

پی نوشت ها :

1. اصول کافی، کلینی، ج 3، ص. 34.
2. ماهنامه پاسدار اسلام، شماره 264، آذرماه 1382، ص. 27.
3. بحارالانوار، مجلسی، ج 84، ص. 248.
4. سوره آل عمران، آیه. 104.
5. سوره اعراف، آیه. 159.
6. تفسیر نور الثقلین، علی بن جمعة الحویزی، ج 1، ص. 380.
7. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج 2، ص. 139.
8. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج 6، ص. 218.
9. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، ج 6، ص. 257.
10. ماهنامه مبلغان، شماره 72، شوال 1426 ه.ق، ص 31-30.
11. الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص. 222.
12. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، صی. 331.
13. همان، ص. 331.
14. الذریعة الی تصانیف الشیعه، علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج 2، ص. 109.
15. مأخذ قبل، ص 324-315.
16. اصول کافی، ج 8، ص 14-2.
17. بحارالانوار، ج 77، ص. 189.
18. رجال نجاشی، ابوالعباس نجاشی، ص. 14.
19. مأخذ قبل، ج 22، ص. 431.
20. اصول کافی، ج 1، ص. 25.
21. بحارالانوار، ج 1، ص. 261.

22. الارشاد، شيخ مفيد، ص 261.
23. ميزان الحكمة، رى شهرى، ج 2، ص 799.
24. بحار الانوار، ج 68، ص 393.
25. معانى الاخبار، شيخ صدوق، ص 191.
26. بحارالانوار، ج 71، ص 395.
27. كشف الغمّه فى معرفة الائمة، على بن عيسى اربلى، ج 2، ص 208.